

آخرین اخبار کرونا

اجرای مدیریت هوشمند کرونا از ۱۴روز دیگر

● **ایسنا:** معاون بهداشت وزارت بهداشت از آغاز اجرای کشوری طرح مدیریت هوشمند کرونا تا دو هفته آینده خبر داد.
کمال حدیری درباره سامانه هوشمند مدیریت کرونا گفت: قرار است در این سامانه که وزارت کشور زحمت آن را کشیده است، وزارت بهداشت اطلاعات بیماران و نتایج آزمایشگاه‌ها را بارگذاری کند و اطلاعات آن از سوی دستگاه‌های خصوصی و دولتی قابل بهره‌برداری باشد تا افرادی که واکسن کرونا نزند یا بیمار هستند، شناسایی شوند تا هوشمندانه جلوی تردد مبتلایان به کرونا و واکسن‌زده‌ها را بگیریم. او افزود: اطلاعات ذکرشده از سوی معاونت فناوری اطلاعات وزارت بهداشت در حال بارگذاری بر سامانه مذکور است و فعلا در سه استان قزوین، آذربایجان غربی و کردستان در حال اجرای پایلوت این طرح هستیم تا با نواقص احتمالی و کاستی‌های آن آشنا شویم که بتوانیم این مشکلات را در دو هفته آتی که قرار است این طرح را در سطح کشور اجرایی کنیم، برطرف کنیم. او تاکید کرد: نتایج در حال وصول است و به‌دنبال پیداکردن و رفع مشکلات هستیم. با افزایش مشارکت مردم در خوداظهاری ابتلا به کرونا می‌توانیم سلامت تردد در اماکن تجمعی را مدیریت کنیم تا هم فعالیت‌های اجتماعی برقرار باشد و هم از ورود افراد بیمار به جمععات و اماکن عمومی جلوگیری شود. حدیری تاکید کرد: سامانه هوشمند مدیریت کرونا بیشتر معطوف به اصناف، خرید بلیت سفر و… است. در بحث بازگشایی مدارس شرط اول واکسیناسیون کادر مدرسه و اولیاست. مدارس می‌توانند برای کسب اطلاعات از سامانه سلامت و سامانه ماسک استفاده کنند تا ببینند مخاطب یا اولیای دانش‌آموز واکسن دریافت کرده‌اند یا خیر که این زیرساخت اکنون فراهم است.

شروط بازگشایی مدارس چیست؟

● **ایرنا:** معاون فنی مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت ضمن تشریح شرایط لازم در مدارس برای بازگشایی گفت: اگر برای کلاس‌های حضوری مدارس سخت‌گیری کنیم، بهتر از این است که کار را شروع کنیم اما بعد خدایی نکرده مجدداً با بیماری آن را تعطیل کنیم. محسن فرهادی درباره شروط وزارت بهداشت برای بازگشایی مدارس گفت: مهم‌ترین شرط این است که کلیه کارکنان مدرسه نسبت به واکسینه‌کردن خودشان اقدام کنند و اگر فردی به دلایل غیرموجه نسبت به انجام واکسیناسیون اقدام نکند، لازم است که هر ۷۲ ساعت یک بار PCR آزمایشگاهی را به مسئول مدرسه ارائه دهد. او افزود: همچنین تمام دانش‌آموزان ۱۲ سال به بالا که اکنون در چرخه واکسیناسیون کشور قرار دارند، باید واکسینه شوند. در هر کلاس هم فضای چهار مترمربع برای هر دانش‌آموز نیاز داریم و این فضا باید به‌گونه‌ای چیدمان شود که یک‌ونیم تا دو متر فاصله بین دانش‌آموزان از یکدیگر و دانش‌آموزان از معلمان باشد. فرهادی ادامه داد: نکته دیگر این است که در تمام طول ساعت آموزش ماسک باید هم به صورت کارکنان و هم دانش‌آموزان باشد. در زنگ‌های تفریح باید تمهیداتی دیده شود که فاصله یک‌ونیم تا دو متری میان دانش‌آموزان حفظ شود و از ورزش‌ها پرهیزخورد در حیاط مدرسه جلوگیری شود. از همه مهم‌تر اینکه در مدت حضور در کلاس تهویه مناسب و تأمین هوای تازه باید فراهم باشد؛ بنابراین باید پنجره‌ها و در کلاس باز باشد. اگر برای کلاس‌های حضوری مدارس سخت‌گیری کنیم، بهتر از این است که کار را شروع کنیم اما بعد خدایی نکرده با بیماری مجدداً آن را تعطیل کنیم.

دریافت دز اول واکسن برای یک میلیون و ۶۰۰ غیرایرانی

● **ایسنا:** حمیدرضا نجاری، مسئول اداره مراقبت مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، با اعلام اینکه تاکنون بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از اتباع غیرایرانی یک دُز واکسن کرونا و بیش از ۳۰۰ هزار نفر دو دُز واکسن را دریافت کرده‌اند؛ و این روند ادامه دارد، گفت: بر اساس سند ملی واکسیناسیون، اتباع ایرانی و غیرایرانی باید واکسن کووید۱۹ دریافت کنند و از ابتدا هم واکسیناسیون اتباع غیرایرانی در برنامه وزارت بهداشت قرار داشت و آنها می‌توانستند برای دریافت واکسن مراجعه کنند؛ البته طبیعی بود که در مراحل اولیه واکسیناسیون، میزان واکسن در دسترس به حدی نبود که پناه‌جویان هم بهره‌وری بالایی داشته باشند، اما اکنون که واکسن به اندازه نیاز تأمین شده است، واکسیناسیون اتباع غیرایرانی هم به شکل تصاعدی رو به افزایش است. او درباره واکسیناسیون اتباع غیرقانونی تصریح کرد: تمام اتباع غیرایرانی که قبلاً به نظام سلامت مراجعه کردند و خدمت دریافت کردند و اسمشان در سیستم ثبت است، اگر مراجعه کنند واکسن کرونا دریافت می‌کنند. با توجه به سیاست جمهوری اسلامی ایران اگر همه افرادی که در این جامعه زندگی می‌کنند واکسن دریافت کنند، بیماری بهتر مدیریت و کنترل می‌شود پس محدودیتی برای اتباع قائل نیستیم. پناه‌جویانی هم که به‌تازگی وارد کشور شده‌اند و پیش از این اطلاعاتشان در سامانه‌ها ثبت نبوده است، می‌توانند به مراکز واکسیناسیون مراجعه کرده و پس از ثبت اطلاعات، واکسن دریافت کنند و پس از آن هم در چارچوب نظام سلامت قرار گیرند.

گفت‌وگو با دکتر امیرحسین جلالی، روانپزشک، درباره وضعیت خشونت در ایران

نهاد خانواده در بحران



است از خشونت‌ی که در بیرون از خانه اتفاق می‌افتد و به خانه منتقل می‌شود؟

اینکه فکر کنیم خشونت خانگی کاملا وابسته به خشونت اجتماعی است و در هیچ موردی نمی‌تواند اولیه باشد، درست نیست. یا حتی می‌توان برعکس گفت که نابردباری در خانواده به‌عنوان یک واحد سازنده در جامعه می‌تواند به نابردباری‌های اجتماعی و خارج از خانه دامن بزند. به نظر من رابطه دیالکتیک و رفت و برگشتی بین این دو وجود دارد. نهاد خانواده در ایران در بحران است. حالا بخشی از این بحران الزاما منفی نیست. در دوره مشخصی پیامدهایی دارد که به شکل عارضه جانبی بروز می‌کند، اما تجربه انسانی ما می‌گوید که دیگر زندگی خانوادگی از سرمشقی واحد مثل گذشته‌ها پیروی نمی‌کند. به‌رحال ما شاهد تنوع در سبک خانوادگی در ایران هستیم؛ مثلا خانواده‌ای که مادر در آن والدگری می‌کند و پدر نیست، مادری که بعد از مرگ یا طلاق با شوهرش مجدد تشکیل خانواده می‌دهد و ممکن است هر دو بچه‌هایی را زیر یک سقف بیاورند. به‌رحال می‌دانیم اتفاق مهم در ایران این است که با گذار از یک ساخت یکه پدرسالار، شاهد تنوع و تغییر هستیم. بااین‌حال، مسئله‌ای که باعث بحران می‌شود این است که یک نظام تصمیم‌گیری با هرگونه

خوشایندی یا بدآیندی یک انسجام را تولید می‌کند. این از بین رفته و حالا تکلیف آن عناصر در خانواده مشخص نیست؛ یعنی معلوم نیست حرف اول و آخر را چه کسی می‌زند. اگر قرار است خانواده دموکراتیک باشد باید نظام مدونی هم وجود باشد و افراد نقش‌خوشان را بپذاند.

کادرواقع خانواده یک جامعه بی‌سر شده است.
بله.
خوشایندی یا بدآیندی یک انسجام را تولید می‌کند. این از بین رفته و حالا تکلیف آن عناصر در خانواده مشخص نیست؛ یعنی معلوم نیست حرف اول و آخر را چه کسی می‌زند. اگر قرار است خانواده دموکراتیک باشد باید نظام مدونی هم وجود باشد و افراد نقش‌خوشان را بپذاند.

کاشما به نوعی از خشونت غیرملموس، یعنی خشونت روانی، اشاره کردید. درباره انواع خشونت خانگی بگویید. خشوتی که محدود به خشونت فیزیکی نیست…

برای ما خشونت فیزیکی از همه آشناتر است.

هرگونه اعمال رفتار پرخاشگرانه علیه فرد دیگری که باعث آسیب مشخص فیزیکی شود که آسیب خفیف یا شدید یا ازبین‌رفتن جان شخص است، خشونت فیزیکی است. در خشونت روانی عنصر زخم قابل دید وجود ندارد؛ مثلا شخص را کتک نمی‌زند یا دچار آسیب فیزیکی نمی‌کنند، اما با محروم‌سازی و محدودکردنش به او زخمی روانی می‌زند. تصور اینکه خشونت فیزیکی محدود به دست‌وپاشکستگی یا به قول قدیمی‌ها سبیه کیودکردن است هم نادرست است. در تعریف جدید از خشونت فیزیکی کشیدن مو و هل‌دادن را هم به شمار می‌آوریم. کسی حق ندارد به هیچ نوعی به بدن کسی صدمه بزند. در شکل آسیب هم لازم نیست حتما زخمی ایجاد شود، همین که فرد فیزیکی بر کسی مستولی شود به معنی خشونت فیزیکی است. در خشونت روانی، مثلا مرد اجازه نمی‌دهد زن درس بخواند یا کار کند یا با خانواده‌اش آزادانه رفت‌وآمد داشته باشد. گاهی هم زن مانع رابطه مرد با خانواده‌اش می‌شود. یا اینکه مرد اجازه ندهد زن دوستانش را ببیند و سایه‌ای از شک و محدودسازی وجود دارد. **تحقیق‌هم چرّ خشونت روانی قرار می‌گیرد؟**
قطعاً. هرگونه آزار زبانی خشونت است؛ تهدید، توهین، در تنگنا قراردادن یا فرد را در دوره‌ای قراردادن. با عباراتی چون اشکالی ندارد این کار را بکن ولی من کمکی نمی‌کنم یا تهدید به طلاق و جدایی؛ اینها همه خشونت است.

کاپس این‌طور که شما می‌گویید ما هم در معرض خشونت هستیم…

بله. اما آیا این پیام به مردم شهرهای کوچک رسیده؟ و اگر رسیده آن‌قدر هست که برای بازدارندگی فرهنگ‌سازی شده باشد؟ این را هم البته باید بدانیم که کار با خشونت و ترویج پیشگیری از خشونت در جامعه ما ظرایف زیادی دارد. به اندازه کافی در ایران نهادهای حل‌منازعه

جامعه

گفت‌وگو با دکتر امیرحسین جلالی، روانپزشک، درباره وضعیت خشونت در ایران

گفت‌وگو با دکتر امیرحسین جلالی، روانپزشک، درباره وضعیت خشونت در ایران

برخی مدارس غیردولتی شهرهای بزرگ رخ داده باشد، اما اینها گرفتن جلوی سیل با بیل است که راه‌حل اجتماعی نمی‌دهد و فرهنگ عمومی تولید نمی‌کند. نهایتاً عده‌ای از آدم‌ها را با فرهنگ متفاوتی بار می‌آورد. همان مدل کوکب‌خانمی یا فرهنگ مادرانه ایرانی شکلش فقط در مراقبت و یک‌جور دبستگی دائمی است. این خیلی متعارف است که مادرها می‌گویند بچه صد سالش هم بشود بچه است. این اصلا خوشایند نیست. والدگری خوب باید جایی که لازم است بدون قیدوشرط حمایت کند، جایی هم اگر بچه هم نخواهد برود باید هلش بدهند. باید بچه را نه فیزیکی بلکه روانی از خود جدا کرد. گفت‌وگو زمانی شکل می‌گیرد که من از مادرم به شکل روانی جدا شده باشم و خودم و مادرم را به شکل من و دیگری تجربه کرده باشم. چرا فرهنگ‌های فردگرا بعضا می‌توانند توانمندتر باشند؟ فردگرایی احتمالا باید خودشیفتگی بیاورد ولی این‌طور نیست. من وقتی پذیرم یک فرد هستم، همسرم هستم، سیاه‌پوست یا اروپایی هم یک فرد است. بنابراین هرکس ارزش‌ها، زبان و باورهای خودش را دارد و وقتی با هم گفت‌وگو می‌کنیم این تمایز را می‌شناسیم و در عین حال تلاش می‌کنیم با تکیه بر تمایزی که داریم با هم به نتیجه تازه‌ای برسیم؛ یعنی ادغام تازه‌ای را شکل بدهیم. اگر این جدایی اتفاق نیفتاده باشد، وقتی تفرد پیدا نمی‌کنیم، هر فردی را دشمن به حساب می‌آوریم. مسئله این نیست که ما فکر نمی‌کنیم مردم دیگر دشمن ما نیستند و تفنگ بر نمی‌داریم که به دیگران شلیک کنیم، مسئله این است که در زندگی آپارتمانی یا جامعه چقدر می‌توانیم به دیگران اعتماد کنیم و به تفاوت‌ها احترام بگذاریم؟ چقدر سبک و سباق وجود دارد. موانع و حجاب‌ها زیاد است و هنوز جای کار فراوان دارد.

کادر دوران کرونا افزایش خشونت و طلاق را داشتیم که البته محدود به ایران هم نیست. به نظر می‌رسد مهارت گفت‌وگو و زیر یک سقف زندگی کردن، در بین خانواده‌ها خیلی کم شده است؛ مثلا خشونت حتی وارد طبقه مرفه و متوسط شده است. چقدر این خشونت که وارد خانه‌ها می‌شود ناشی از عدم مهارت گفت‌وگو است؟
بله، این مشکل حتی در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی وجود دارد. قبل از کووید ما آدم‌ها از هم فرار می‌بودیم و به واسطه کار و اشتغال و درس‌خواندن مدت کوتاهی در کنار هم بودیم. از سوی دیگر ماندن بیش‌ازحد زیر یک سقف هم تهدیدی علیه انسجام روانی خانواده‌هاست. به‌رحال خانه‌ها مثل قیل بزرگ نیستند و اگر افراد خانواده بخواهند زمان زیادی در خانه بگذرانند حریم شخصی برای آنها وجود ندارد. در ایران به‌جز اینکه مهارت گفت‌وگو در سطح فردی و خانوادگی نداریم، با بحران‌گفت‌وگو روبه‌رو هستیم که آثار خود را در خانواده هم گذاشته است. واقعیت این است که اگر افراد بتوانند با هم صحبت کنند و مسئله‌شان را فهرست کرده و گفت‌وگو کنند یا این فرهنگ که بداند معنی گفت‌وگو برد-برد است، یعنی اصل هم ارتباطی است. متأسفانه در فرهنگ سیاسی ما هم این‌طور است که نتیجه حل تعارض را به شکل لهرکردن طرف مقابل تعریف می‌کنند. درصورتی‌که این‌طور نیست؛ در گفت‌وگوی سازنده یک بار من می‌برم و یک بار طرف مقابل. اصلا حل تعارض هم چنین معنای است. ما معمولا می‌خواهیم مشکل را به‌گونه‌ای حل کنیم که طرف مقابل با ما همراه شود و بپذیرد که حرف ما درست است. کووید خیلی چیزها را آشکار کرد. وقتی آدم‌ها وقت بیشتری برای باهم‌بودن پیدا کردند متوجه شدند حرف زیادی برای گفت‌وگو با هم ندارند و اگر حرفی هم داشته باشند بلد نیستند صحبت کنند. وقتی با هم بیشتر وقت بگذرانیم تعارض‌منبت بیشتر می‌شود که به خودی خود اشکالی ندارد، اما وقتی بلد نباشیم تعارض‌ها را چطور حل کنیم کار به خشونت می‌کشد.

کادر زندگی‌های امروزی با وجود اینکه به مدرنیته پیوستیم، چندان بلد نیستیم از این ابزار درست استفاده کنیم؛ مثلا فرهنگ استفاده از موبایل را نداریم. انکار زندگی‌کردن در خانه‌های امروزی را هم به ما یاد نداده‌اند. در کتاب‌های درسی هنوز وقتی می‌خواهند از خانواده صحبت کنند از خانواده‌های کوکب‌خانمی صحبت می‌شود که خیلی شبیه الان نیست. نداشتن مهارت در گفت‌وگوکردن به ما این دلیل است که از ابتدا نیاموخته‌ایم؟ فرهنگ گفت‌وگو چقدر در آموزش رسمی کشور جا افتاده است؟
بخشی از مسئله به خانواده و بخشی به مدرسه برمی‌گردد. می‌گویند اگر در جامعه‌ای قرار باشد فرهنگ دموکراتیک شکل بگیرد، پایه‌اش در مدرسه است. شاید تغییراتی در سطحی در

دریچه

ورود پلیس به ماجرای جایگاه‌های سوخت

● **ایسنا:** فرمانده ناچا از ورود پلیس به ماجرای هک‌شدن جایگاه‌های سوخت خبر داد. سردار حسین اشتری در حاشیه همایش فصلی رؤسا و مدیران پلیس راهور درباره اقدامات پلیس به ماجرای هک‌شدن جایگاه‌های سوخت گفت: در این مورد همکاران من در معاونت فاوا و پلیس فتا وارد عمل شده و در کنار دیگر دستگاه‌ها کمک کردند و در حال کمک هستند. جزئیات این موضوع اعلام خواهد شد، اما اقدامات خوب و مؤثری از سوی پلیس انجام شده و همکاران من کمک‌های خوبی کرده‌اند. هوشمندسازی و تحول سیستمی، افزایش کیفیت و سرعت ارائه خدمات به مردم، استفاده از تجهیزات به‌روز و… در مجموعه پلیس راهور وجود داشته و ما امیدواریم بتوانیم این مسیر را با سرعت بیشتری نیز ادامه دهیم. اشتری تحول و سیستمی‌شدن برای پیشگیری از تصادفات و تلفات جاده‌ای را امر مهمی توصیف کرد و گفت: البته باید توجه داشته باشیم که دستگاه‌های مختلفی در این زمینه مسئول هستند و نباید صرفا از ناچا انتظار انجام تمام اقدامات را داشته باشیم. حدود ۳۰ دستگاه در این زمینه دارای مسئولیت مستقیم و غیرمستقیم هستند که ما امیدواریم به سهم خود در این خصوص توجه کنند. البته پلیس در حال حاضر نیز اقدامات خوبی انجام داده و توانسته‌ایم علی‌رغم افزایش خودرو و موارد دیگر تصادفات رانندگی را در سراسر کشور کاهش داده و جان‌باختگان ناشی از تصادفات را نیز کم کنیم، اما در این زمینه همان‌طور که گفتیم دیگر دستگاه‌ها نیز دارای مسئولیت هستند و البته خود مردم نیز نقش پررنگی بر عهده دارند که باید با رعایت قوانین و مقررات با پلیس و در واقع برای حفظ ایمنی و جان خودشان همراهی کنند.

زنان مجرد و خانه‌دار چگونه بیمه می‌شوند؟

● **شرق:** تمامی زنان ۱۸ تا ۵۰ساله سراسر کشور می‌توانند از حمایت‌های مقرر در قانون بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد بهره‌مند شوند. برخورداری از این حمایت‌ها نیازمند تاهل و سابقه بیمه‌پردازی نیست. بیمه زنان خانه‌دار از جمله حمایت‌هایی است که به آسانی و در کوتاه‌ترین زمان ممکن به زنان ارائه می‌شود و فرایند ورود به جمع بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی بر اساس این قانون به‌سادگی انجام می‌شود.
مؤملین این قانون تمامی زنان ۱۸ تا ۵۰ساله هستند و درخصوص افراد بالای ۵۰ سال نیز میزان سابقه بیمه‌پردازی قبلی به حداکثر سن منظر اضافه می‌شود.
از دیگر ویژگی‌های خاص بیمه زنان خانه‌دار امکان انتخاب نرخ پرداخت حق بیمه و دستمزد مبنای پرداخت حق بیمه است. نرخ پرداخت حق بیمه زنان خانه‌دار برای برخورداری از حمایت‌های بازنشستگی ۱۲ درصد، بازنشستگی (پرداخت مستمری به بازماندگان واجد شرایط) ۱۴ درصد و بازنشستگی، فوت و ازکارافتادگی ۱۸ درصد است.
شایان ذکر است در مواردی که دستمزد انتخابی متقاضی بالاتر از حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار باشد، ضریب دستمزد انتخابی نسبت به حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار همواره در سنوات آتی رعایت می‌شود.
انتخابی‌بودن استفاده از خدمات درمانی از دیگر مزایای طرح بیمه زنان خانه‌دار است. به عبارت دیگر در صورتی‌که زنان متقاضی استفاده از این نوع بیمه تحت تکفل پدر، مادر یا همسر خود بوده و از این طریق از مزایای درمانی سازمان تأمین اجتماعی برخوردار باشند، نیازی به پرداخت حق سرانه درمان نیست و در غیر این صورت می‌توانند با پرداخت حق سرانه درمان مصوب از خدمات درمانی مراکز ملکی و همچنین طرف قرارداد سازمان تأمین اجتماعی نیز برخوردار شوند.

واکنش اداره میراث فرهنگی به کاشت گل در حوض‌های موزه ملی فرش ایران

● **شرق:** اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان تهران درباره موضوع «کاشت گل در حوض‌های موزه ملی فرش ایران» که واکنش‌های بسیاری را در شبکه‌های اجتماعی برانگیخت، اطلاع‌های منتشر کرد.
توجه به بخشی از این اطلاع‌های موزه است: با کاشت گل به اینکه حوض‌های موزه گمانه به واسطه عقب‌نشینی سردر و طراحی جدید حصار، در خارج از عرصه موزه فرش قرار گرفته و به محلی برای تجمع زباله و زینست شبانه کارتن‌خواب‌ها تبدیل شده و همچنین تخلیه زباله و فضولات انسانی سبب ایجاد فضای ناپسند در ورودی موزه شده بود، از سوی شهرداری منطقه به‌طور موقت فضای داخلی حوض‌ها پس از پاک‌سازی، گل‌کاری شد.
از نظر فنی ایجاد باغچه موقت در بازه زمانی کوتاه آسیبی متوجه حوض‌ها نخواهد کرد و این کار صرفا برای زیباسازی منظری، بخش ورودی موزه به صورت موقت انجام شده است.